



آثار منفی صوفیگری / تصوف و منجلاب اباحه و فسق و بیهودگی

راه تصوف باریکه‌ای است سخت تند و تیز و لغزان که از یک‌سو با سنگلاخ افراط در زهدگرایی و وسواس در دامن‌چیدن از لذات و مباحات و خوارداشت تن و از سوی دیگر با منجلاب اباحه و فسق همجوار است. به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر برشی از کتاب شمس تبریزی (صفحات ۲۴ و ۲۵)، اثر محمد علی موحد در نقد صوفی‌گری است که در ادامه می‌خوانید: «در اینجا از اشاره‌ای به آثار و تبعات منفی صوفیگری ناگزیریم و در این‌باره نیازی به نقل مقالات مخالفان تصوف نمی‌بینیم زیرا کمتر نویسنده‌ای از خود متصوفه سراغ داریم که از این مقوله سخنی نگفته و از انحرافات و کجرویهای مدعیان ننالیده باشد. در حقیقت تصوف به‌رغم ظاهر نرم و آسانش نسخه‌ای است صعب و دشوار و کسی که پای در این وادی می‌گذارد همواره در معرض آفتها و لغزشهاست. به قول امام محمد غزالی «در هیچ چیز چندان غلط راه نیابد که در آن»، یا به گفته‌ی مولانا «هر جوینده را راه نیست»، زیرا که گرد بر گرد سراپرده‌ی جمال دورباش می‌زنند. وقتی علم را حجاب می‌دانند و آشکارا از کتاب و دفتر تبرّی می‌جویند و حتی سخن از به آتش‌کشیدن یا به آب دادن نوشته‌ها می‌رود طبعاً خطر سقوط در پرتگاه چهل و غیاوت دامنگیر می‌شود و آنکه معتقد است که هر ظاهری باطنی دارد و ظاهر را در برابر باطن بی‌ارج و خوار می‌شمارد لامحاله با وسوسه‌ی استخفاف نسبت به ظواهر شرع و فروگذاشت آن دست به گریبان می‌گردد و اگر دم از توکل می‌زند لاجرم در دام بطلالت می‌افتد. چنانکه هر گاه آسیاسنگی از کوه فروغلتد برخاستن از سر راه سنگ را ناروا می‌انگارد. راه تصوف باریکه‌ای است سخت تند و تیز و لغزان که از یک‌سو با سنگلاخ افراط در زهدگرایی و وسواس در دامن‌چیدن از لذات و مباحات و خوارداشت تن و از سوی دیگر با منجلاب اباحه و فسق و بطلالی و بیهودگی همجوار است.»

راه تصوف باریکه‌ای است سخت تند و تیز و لغزان که از یک‌سو با سنگلاخ افراط در زهدگرایی و وسواس در دامن‌چیدن از لذات و مباحات و خوارداشت تن و از سوی دیگر با منجلاب اباحه و فسق همجوار است.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر برشی از کتاب شمس تبریزی (صفحات ۲۴ و ۲۵)، اثر محمد علی موحد در نقد صوفی‌گری است که در ادامه می‌خوانید:

«در اینجا از اشاره‌ی مولانا «هر جوینده را راه نیست»، یا به گفته‌ی مولانا «هر جوینده را راه نیست»، زیرا که گرد بر گرد سراپرده‌ی جمال دورباش می‌زنند. وقتی علم را حجاب می‌دانند و آشکارا از کتاب و دفتر تبرّی می‌جویند و حتی سخن از به آتش‌کشیدن یا به آب دادن نوشته‌ها می‌رود طبعاً خطر سقوط در پرتگاه چهل و غیاوت دامنگیر می‌شود و آنکه معتقد است که هر ظاهری باطنی دارد و ظاهر را در برابر باطن بی‌ارج و خوار می‌شمارد لامحاله با وسوسه‌ی استخفاف نسبت به ظواهر شرع و فروگذاشت آن دست به گریبان می‌گردد و اگر دم از توکل می‌زند لاجرم در دام بطلالت می‌افتد. چنانکه هر گاه آسیاسنگی از کوه فروغلتد برخاستن از سر راه سنگ را ناروا می‌انگارد. راه تصوف باریکه‌ای است سخت تند و تیز و لغزان که از یک‌سو با سنگلاخ افراط در زهدگرایی و وسواس در دامن‌چیدن از لذات و مباحات و خوارداشت تن و از سوی دیگر با منجلاب اباحه و فسق و بطلالی و بیهودگی همجوار است.»

در حقیقت تصوف به‌رغم ظاهر نرم و آسانش نسخه‌ای است صعب و دشوار و کسی که پای در این وادی می‌گذارد همواره در معرض آفتها و لغزشهاست. به قول امام محمد غزالی «در هیچ چیز چندان غلط راه نیابد که در آن»، یا به گفته‌ی مولانا «هر جوینده را راه نیست»، زیرا که گرد بر گرد سراپرده‌ی جمال دورباش می‌زنند.

وقتی علم را حجاب می‌دانند و آشکارا از کتاب و دفتر تبرّی می‌جویند و حتی سخن از به آتش‌کشیدن یا به آب دادن نوشته‌ها می‌رود طبعاً خطر سقوط در پرتگاه چهل و غیاوت دامنگیر می‌شود و آنکه معتقد است که هر ظاهری باطنی دارد و ظاهر را در برابر باطن بی‌ارج و خوار می‌شمارد لامحاله با وسوسه‌ی استخفاف نسبت به ظواهر شرع و فروگذاشت آن دست به گریبان می‌گردد و اگر دم از توکل می‌زند لاجرم در دام بطلالت می‌افتد. چنانکه هر گاه آسیاسنگی از کوه فروغلتد برخاستن از سر راه سنگ را ناروا می‌انگارد.

راه تصوف باریکه‌ای است سخت تند و تیز و لغزان که از یک‌سو با سنگلاخ افراط در زهدگرایی و وسواس در دامن‌چیدن از لذات و مباحات و خوارداشت تن و از سوی دیگر با منجلاب اباحه و فسق و بطلالی و بیهودگی همجوار است.